بررسی سند روایت محمد بن مسلم

در باب سوم از ابواب احکام شهر رمضان، حدیث دوم بودیم. فرمودند:

> **محمد بن الحسن باسناده عن علي بن مهزيار، عن محمد بن أبي عمير، عن أبي أيوب وحماد، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: إذا رأيتم الهلال فصوموا، وإذا رأيتموه فأفطروا، وليس بالرأي ولا بالتظني ولكن بالرؤية الحديث.**
>
> **وروا الكليني عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن أبي أيوب، عن محمد بن مسلم. وروا الصدوق باسناده عن محمد بن مسلم. وروا المفيد في (المقنعة) عن ابن أبي عمير نحوه**
>
> **[1]**

مرحوم شیخ این روایت را هم در تهذیب آوردهاند و هم در استبصار. مشیخه ایشان در تهذیب به علی بن مهزیار، صحیح است. در فقیه که از محمد بن مسلم روایت کرده، میگویند سند ایشان به محمد بن مسلم ضعیف است. پس این «باسناده» خوب است.

«عن أبي أيوب وحماد، عن محمد بن مسلم»؛ اسم ابی ایوب، ابراهیم بن عیسی است. هم ایشان خوب است و هم حماد خوب است. نکات طلبگیای که در این روایت هست، این است که در استبصار دارد «عن ایوب عن محمد بن مسلم». یعنی «ابوایوب» نیست.

مرحوم صاحب وسائل بعد از اینکه متن حدیث را میآورند، دنبالهاش میفرمایند: **«وروا الكليني عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن أبي أيوب، عن محمد بن مسلم»؛** این سند خوب است.

مرحوم صاحب وسائل همین روایت را در باب یازدهم، حدیث یازدهم آوردهاند و تقطیع هم نکردهاند. خود این عدم تقطیع برای بحث ما مهم است. دیگرانی که از این آدرس دادهاند، با وجود تقطیعی که در باب یازدهم هست، ذهن محو میشود. علی ای حال مشکلی نداریم، چون در طول تاریخ چند جور تقطیع از روایت محمد مسلم صورت گرفته است.

شاگرد: در همین باب یازدهم دیگر محمد بن مسلم ندارد. بلکه «عن ابی ایوب مثله» دارد.

استاد: آن جا دارد «عن ابی ایوب عن محمد بن مسلم». بله.

حال فعلاً ما در باب سوم هستیم. «وروا الصدوق باسناده عن محمد بن مسلم»؛ ظاهراً در فقیه هست «و روی محمد بن مسلم»، نه «ابن ابی عمیر عن ابی ایوب» که در کافی و تهذیب هست. بلکه تنها «و روی ابن مسلم» دارد. در مشیخه فقیه، سندی که به محمد بن مسلم دارند، فرمودند علی المشهور ضعیف است. نمیدانم کجا بود. چرا؟ بخاطر اینکه از پسر برقی و نوه ایشان است که باز هم از متن، واسطهای میافتد. علی ای حال بخاطر آنها گفتهاند «غیر معروف». و حال اینکه بیت برقی و آقازادههای ایشان اینطور نبود که معروف نباشند. پسر برقی است، نوه برقی است، نتیجه برقی است. وقتی صدوق بعنوان شیخ الحدیث اینها را از نوه برقی نقل میکنند، حال ما بگوییم ضعیف! البته مانعی ندارد، ضعیف اصطلاحی میشود. و الا چنین نیست که بیت انشانختهای باشد. بلکه بیت علم بودهاند. الآن یادم آمد که مرحوم نوری در خاتمه مستدرک فرموده بودند «غیر مذکور».

خاتمه مستدرک دو باب خیلی مهم دارد. یکی باب توضیح مشیخه فقیه است و یکی هم باب توضیح مشیخه تهذیب است. هر دوی آنها از فصلهای ممتع و خوب خاتمه مستدرک است. مرحوم نوری در خاتمه مستدرک، در مشیخه فقیه، فرمودهاند: «طریقه الی محمد بن مسلم ضعیف علی المشهور»، بعد فرمودند بخاطر دو پسر برقی است که «غیر مذکورین» هستند.[2] یعنی در کتب رجال ذکری از آنها نیامده است. به همین خاطر میگویند ضعیف است. ولی خب بیت علم بودهاند. روی حساب عرف عقلائی یک نحو اطمینان به مفاد حدیث به اینکه کاملاً مجهول باشد نیست. غیر مذکورین هستند، والا معلومین هستند. البته به این جهت که غیر مذکور هستند به طریق اولی توثیق نشدهاند.

> 6:37

چیزی که ما در اینجا داریم و به گمانم در نرمافزار هم مسامحه شده است، از مفید است. فرمودند «و رواه المفید فی المقنعه عن ابن ابی عمیر نحوه». اینکه صاحب وسائل فرمودهاند «نحوه»؛ در نرمافزار نسبت به بقیه روایت فرمودهاند: عن ابن ابی عمیر عن ابی ایوب و حماد، ولی چون مفید برای آنها طریقی ندارند، گفتهاند ضعیف است. و حال آنکه اصلاً در مقنعه «ابو ایوب» نیست و «حماد» نیست. در مقنعه اگر نگاه کنید، به جای ابو ایوب، ایوب بن نوح است. یعنی مفید فرمودهاند: «روی ابن ابی عمیر عن ایوب بن نوح، عن محمد بن مسلم».[3] اینکه چطور باید درست کرد، مشکل است. خیلی بعید است که ایوب بن نوح بتواند از محمد بن مسلم، روایت کند. تقریباً صفر است که ایوب بن نوح بتواند از محمد بن مسلم روایت کند. اینکه تصحیف از کجا آمده نمیدانم. ابو ایوب شده ایوب بن نوح! قطعاً دو نفر هستند. ابو ایوب میتواند از محمد بن مسلم روایت کند اما ایوب بن نوح در زمان امام هادی و امام حسن عسگری علیهماالسلام بوده، وکیل آنها بوده. در سند روایت هم میآید اما نه اینکه بتواند از محمد بن مسلم روایت کند. اینکه جای دیگر شواهد دارد یا نه، یکی-دو مورد بود. اما هنوز طبق اطلاعاتی که نگاه کردم به صفر نرسیده است.

میخواستم این را عرض کنم که معلوم باشد در سند مقنعه ابوایوب نیست. ایوب بن نوح است. برای آن نسخه بدلی هم نگفتهاند. اینکه چرا در نرمافزار دارایه آن نسخه نیامده، بخاطر این است که بخش مهمی از مقنعه در تهذیب نیامده است. در نرمافزار هم تنها بخشی را که در تهذیب و وسائل آمده، ذکر کرده است. لذا اینکه ایشان فرمودهاند «رواه المفید»، به این صورتی که در خود مقنعه هست، اصلاً بازتابی در نرمافزار نداشته است. آن بازتابی که داشته طبق «نحوه»ای است که صاحب وسائل دارند. این احتمال هست که در نسخه صاحب وسائل از مقنعه مفید، به جای ایوب بن نوح، ابو ایوب بوده باشد. ولی مقنعهای که چاپ شده نگفتهاند که نسخه بدلی دارد.

شاگرد: احتمال اینکه ایوب بن ح باشد، نیست؟

استاد: در مقنعه نسخه بدل نیاوردهاند. حال ببینیم مقنعه چند نسخه دارد، متنی که در تهذیب از مقنعه آمده کامل نیست. یک نسخه قدیمی از مقنعه دارم که دستنویس است؛ چاپهای قدیمی افست است. یکی هم در نرمافزار آمده که تحقیق شده است. اینکه نسخه خطی آن در جایی هست؟ چند نسخه خطی دارد؟ هر کسی حوصله دارد تحقیق خوبی است. ببینیم ایوب بن نوح در همه نسخهها آمده یا نه. ظاهر وسائل این است -چون میگویند «نحوه»- که اگر سند فرق میکرد، میگفتند. و الا «نحوه» را نمیگفتند. شاید هم منظورشان «نحوه» در معنا بوده باشد.

در استبصار به جای ابو ایوب، ایوب آمده است. یعنی همانطور که در نسخه مقنعه، ایوب بن نوح بود، آن تنها ایوب دارد. البته در استبصار احتمال قوی هست که «ابو» افتاده باشد. اما نکتهای که در تفاوت استبصار با تهذیب هست، این است: در استبصار حماد و ابو ایوب در کنار هم جمع شدهاند. یعنی به این صورت است: «عن محمد بن ابی عمیر، عن ایوب و حماد».[4] ولی در تهذیب حماد ذیل آن آمده است. سند تهذیب به این صورت است: «عن محمد بن أبي عمير عن أبي أيوب عن محمد بن مسلم»، بعد میگویند: «و زاد حماد فيه و ليس أن يقول رجل هو ذا هو لا أعلم إلا قال و لا خمسون»؛[5] یعنی وقتی متن را آوردهاند، شیخ دنبال آن میفرمایند «و زاد حماد». از اینجا معلوم میشود که در کنار ابو ایوب، حماد هم بوده است. ولو در متن سند، حماد نیامده است. ابتدا ابو ایوب آمده و «زاد حماد» بعد آمده است. این تفاوتهایی است که در اینجا هست.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۸۲

[2] خاتمة المستدرك، ج5، ص: ۲۰۴ ؛ «... علي من مشايخه و هو و أبوه غير مذكورين، فالسند ضعيف علي المشهور...»

[3] المقنعة، ص۲۹۶؛ «و روى ابن أبي عمير عن أيوب بن نوح عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله ع قال إذا رأيتم الهلال فصوموا و إذا رأيتموه فأفطروا و ليس بالرأي و لا بالتظني»

[4] الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج۲، ص: ۶۳

[5] «وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمُ الْهِلَالَ فَصُومُوا وَ إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا وَ لَيْسَ بِالرَّأْيِ وَ لَا بِالتَّظَنِّي وَ لَكِنْ بِالرُّؤْيَةِ وَ الرُّؤْيَةُ أَنْ يَقُومَ عَشَرَةٌ فَيَنْظُرُوا فَيَقُولَ وَاحِدٌ هُوَ ذَا هُوَ وَ يَنْظُرُ تِسْعَةٌ فَلَا يَرَوْنَهُ فَإِذَا رَآهُ وَاحِدٌ رَآهُ عَشَرَةٌ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَعْلَمُ إِلَّا قَالَ وَ لَا يَسَعُ أَنْ يَقُولَ رَجُلٌ هُوَ ذَا هُوَ وَ لَا يَسَعُ أَنْ يَقُولَ زَادَ حَمَّادٌ فِيهِ وَ زَادَ ثَلَاثِينَ إِذَا كَانَتْ عِلَّةٌ أَفْ مِ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ يَوْماً.» تهذيب الأحكام، ج4، ص: 156.

بازبینی #1
ایجاد شده 17 مه 2026 14:02:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 مه 2026 14:06:32 توسط ... .